

معاذت قضائی و تقییر مفهوم آن
بررسی تطبیقی در حقوق کشورهای باختر

مقصود از معاضدت قضائی مساعدت و یاری به کسانی است که بواسطه عدم کفایت داری یا عدم دسترسی به مال خود قدرت پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله را ندارند و در نتیجه نمی‌توانند به مراجع قضائی رفته و حق خود را بگیرند. در قانون ایران کسی می‌تواند از معاضدت قضائی بهره‌مند شود که معسر^(۱) یعنی قادر به پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله نباشد. اعسار از هزینه دادرسی فقط در امور ترافیعی امکان دارد و در امور حسبی^(۲) قانون مساکت است فقط ماده ۳۷۶ قانون امور حسبی استفاده از آنرا به دادستان اجازه داده مقرر می‌دارد: درخواستی که دادستان از دادگاه می‌نماید و همچنین اقداماتی که دادگاه بدون درخواست، مکلف بانجام آنست، هزینه ندارد.

اعسار باید اثبات شود و این امر معمولاً "به اقامه‌اشهود صورت می‌گیرد". باین ترتیب که خواهان ضمن تقدیم دادخواست دعوی اصلی، رسیدگی به ادعای اعسار و معافیت از هزینه دادرسی را درخواست می‌کند. دادگاه پس از رسیدگی، اگر ادعا را محرز دانست، حکم بر قبول اعسار صادر می‌نماید در نتیجه خواهان می‌تواند از مزایای زیر استفاده کند:

- ۱- معافیت موقتی از تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی در مورد دعوائی که برای معافیت از هزینه آن، ادعای اعسار شده است.

- ۲- حق داشتن وکیل مجانی.

- ۳- معافیت از دادن تامین که باید اتباع خارجه بدهند در صورتی که مدعی

۱- معسر (تنگدست) از هزینه دادرسی کسی است که بواسطه عدم کفایت داری یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تأدیه هزینه دادرسی نیست (ماده ۶۹۳-آ. د. ح.).

۲- امور حسبی اموریست که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی بآنها متوقف بروقوع اختلاف و منارعه بین اشخاص و اقامه دعوی از نظر آنها باشد (ماده ۱ قانون امور حسبی).

از اتباع خارجه باشد .

خواهان پس از تحصیل حکم اعسار ، به شعبه معاضدت کانون وکلای مراجعه کرده تا یکی از وکلای مجاز را به عنوان وکیل معاضدتی برای او معین کنند .

اما متقاضی می تواند از راه دیگری نیز درخواست معاضدت قضائی کند و آن مراجعه مستقیم بدفتر کانون وکلای است . چنانکه ماده ۳۴ قانون وکالت مقرر می دارد : کسانیکه قدرت تادیه حق الوکاله را ندارند می توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط باینکه دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضا کننده باشد . دفتر معاضدت قضائی در صورت اقتضا می تواند درباره دلائل متقاضی و وضع مالی او تحقیقات لازم را معمول داشته و در صورت موافقت یک نفر وکیل برای او معین کند و ماده ۴۶ آئین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ می گوید : در موردی که انجام مقدمات و تشریفات مربوط به معاضدت قضائی ، موجب انقضاء موعدی از تقاضا کننده بشود ، رئیس کانون می تواند مستقیماً وکیل انتخاب نماید مشروط به اینکه تقاضا نامه از حیث ضماغم کامل باشد .

در صورت رد تقاضا ، تقاضا کننده می تواند در ظرف ده روز به هیئت مدیره کانون وکلای شکایت نماید . رای هیئت مدیره قطعی است (م ۳۹ آئین نامه) .

وکلاء عدلیه مکلفند همه ساله در سه دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه اصول شود با و پرداخته خواهد شد ، پنج یک آن متعلق به کانون وکلای است (م ۲۳ ق ۹۱) . تعیین وکیل معاضدتی در امور کیفری مستقیماً " وسیله دادگاه بعمل می آید و نیازی به رجوع به کانون وکلای ندارد .

چنانکه مبینیم ، معاضدت قضائی ، مساعدت و یاری به مستمندان و در واقع در حکم نوعی پرداخت صدقه برای بینوایان است (۱) . اما امروزه طرز فکر نویسندگان در باره معاضدت تغییر کرده و مراد از آن تامین استفاده موثر مردم از دستگاه قضائی و امنیت و دموکراسی در جامعه گردیده است . این طرز فکر در قوانین کشورهای اروپایی و آمریکا رسوخ پیدا کرده و مقررات معاضدت را تغییر داده است مثلاً " در کشور فرانسه قانون شماره ۷۲/۱۱ مورخ ۲ ژانویه ۱۹۷۲ (۲) با تغییر مفهوم معاضدت قضائی ابتکار قابل توجهی در طرز استفاده مردم دستگاه قضائی به خرج داد باین معنی عنوان معاضدت قضائی

۱ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به : دکتر متین دفتری : آئین دادرسی مدنی و

بازرگانی ج ۱ - ج ۱۳۴۹ شماره ۵۷ ص ۳۰۰ و ج ۲ ج ۱۳۴۲ شده ۱۳ و بعد

۲ - مندرج در روزنامه رسمی (D. 1972.69.J.O. 5Jan.1971)

Assistance Judiciaire سابق رارها ساخته و بجای آن Aide Judiciaire را بکار می‌برند که بیشتر معطوف به تعاون قضائی است نه مساعدت به بینوایان این قانون می‌خواهد اصل استفاده مردم از خدمات عمومی را در دادگستری به مرحله اجرا بگذارد. از اینرو اصل تساوی مردم در مقابل دادگاهها، ایجاب می‌کند که برای مستمندان تسهیلاتی فراهم شود. در این میان سهم وابستگان دادگستری در خود توجه است چه آنان خدمات عمومی را در اختیار مراجعین می‌گذارند (۱).

قانون مذکور بتدریج در دیگر کشورها نیز نفوذ پیدا کرده است که با بیان اهداف آن سخنی چند در باره وضع عمومی معاضدت بیان می‌کنیم:

۱ - مفهوم کلی نعان قضائی الف: تحول افکار

معاضدت قضائی مدتها، در بیشتر کشورهای جهان بطور بسیار محدودی مورد عمل بود و اصلاح و تغییر آن هرگز طرف توجه حقوقدانان واقع نشده بود و فقط دولتها این ضرورت را احساس می‌کردند که برای صدقه به بینوایان، دسترسی آنانرا بنحو موثری به دستگاه قضائی تامین کنند. از اینرو معاضدت قضائی مدت مدیدی به عنوان نهادی با فواید بسیار محدود و بصورت فرعی در رابطه با اقامه دعوی تلقی می‌شد که در دادگاهها صورت می‌گرفت.

پس از پایان جنگ دوم جهانی موارد استفاده از معاضدت قضائی بتدریج افزایش یافت و این امر سبب شد که مقررات آن در اغلب کشورها تغییر یابد، در جریان این تحول افکار می‌توان سه عامل مستقل تشخیص داد که سبب تغییر مفهوم معاضدت قضائی شده است:

۱ - پس از پایان جنگ دوم جهانی در بیشتر کشورها بویژه کشورهایی که وابستگی بیشتری با اصول دموکراسی و آزادی‌های فردی داشتند، توانستند سیاست اجتماعی را بنحو قابل توجهی توسعه داده نظام نوین تامین اجتماعی را به مرحله اجرا بگذارند و یا آنرا تکمیل کنند و مفهوم مخاطرات اجتماعی (Risques soeiales) را بر حسب

۱ - این هدف قانونگذار را به اصلاح مقررات مشاغل قضائی و حقوقی نیز راهنمایی کرد و لایحه قانونی شماره ۱۹۳۶ که سرانجام منجر به قانون ۱۱۳ - ۷۱ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ گردید، راجع به متقاضیان دادگستری بود.

مورد در مبنای کم و بیش وسیع بکار برند (۱). از این جهت توجه بیشتری بمسائل اجتماعی کردند و در سالهای اخیر پاره‌ای اصلاحات در مقررات معاضدت قضائی در کشورهای باختر صورت گرفته است چنانکه دولت انگلیس مبادرت به ایجاد Legal aid کرد که بمنظور تعاون در امر آسایش همگانی است که بر اثر گزارش برویچ (۲) در اجرای یک سیاست اجتماعی مترقی انجام گرفت. همچنین در ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با فقر لایحه قانونی Economie Opportunity act در ۱۹۶۴ بصورت برنامه خدمات قانونی (Legal Services program) از طرف دفتر وکالت چونسون (رئیس جمهور سابق آمریکا) تهیه و تقدیم شده بود.

۲- در راستای تحولات اجتماعی فوق، این اندیشه فوت گرفت که دادخواهی، حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند بمنظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید و اگر بوسیله معاضدت موثری حمایت نشود، نابرابری مردم در ثروت سبب خواهد شد که حق آنان از میان برود. از اینرو معاضدت قضائی بصورت حقوق اساسی اصحاب دعوی معرفی شد و بعدتازه‌ای بخود گرفت و با استفاده از افکار و عقاید دانشمندان بدرجه تعاون قضائی Aide Judieiaire رسید و به عنوان نتیجه اصل تساوی مردم در مقابل قانون جزء حقوق اساسی افراد ملت تلقی شد. شناسائی معاضدت قضائی، به عنوان حقوق اساسی افراد ملت بارها در شورای نگهبان کشورهایمانند آلمان فدرال و ایتالیا مطرح و تصویب شده است و در آمریکا هم حق دادخواهی بوسیله دیوان عالی فدرال آن کشور جزء حقوق اساسی ملت، شناخته شد.

۳- تغییر مفهوم معاضدت قضائی تا اندازه‌ای مدیون پیشرفت علوم قضائی است که مسائل مربوط به معاضدت قضائی و تحول جامعه را بادی بسیار وسیع و نافذی بررسی می‌کند. بحران مکتب حقوق تحقیقی (۳) و تولد تازه مکتب حقوق فطری (۴)، توسعه فرایندهای اجتماعی، حقوقدانان را وادار ساخته است که از مرحله نورماتیویسم (۵) گذشته و بواقعیت

۱- درباره معانی کوناگون تامین اجتماعی نگاه کنید به

J.J. Dupeyroux: Sécurité sociale (Precis Dalloz) 4^{éd}

1971 P.8 et s. 2- Beveridge 3- Positivisme juridique

۵- مقصود از این کلمه صرف توجه به قانون و مقررات.

4- Jusnaturalisme

اجتماعی توجه کنند چه خودنوماتیویسم جزء همین واقعیتهاست . پژوهشهای جامعه‌شناسی حقوقی نیز بموزات آن ، حقوقدانان را وادار ساخته تا به میزان تاثیر قواعد حقوقی در جامعه توجه بیشتری نمایند^(۱) و این کوششها در قانون فرانسه بازتابی ایجاد کرده‌است زیرا چند فقره اصلاح بزرگ قانونی مانند اصلاح روابط مالی زن و شوهر و نسب که بر اثر پرسشنامه اجتماعی بوده ، صورت گرفته است . باین تجدید نظر ها باید تحول افکار رادر باره ماهیت نظم حقوقی افزود یعنی از این پس برای برخی ، نظم حقوقی در کنار وظیفه اصلی خود که حفظ وصیانت جامعه است ، تغییر شکل جامعه را نیز بعهده می‌گیرد .

مسائل راجع به دعوی از این تحولات دورنمانده‌است و در سالهای اخیر نویسندگان حقوقی ، بررسیهای مفیدی در باره آن بعمل آورده‌اند بطوریکه دعوی حقوقی را تنها در مفاهیم خاص آن ، توجیه نکرده بلکه آنرا در قلمرو بسیار وسیع عناصر متشکله اجتماعی ، سیاسی ، بین‌المللی ، بررسی می‌نمایند . بدین ترتیب مسئله استفاده موثر از دستگاه قضائی

1- V.J.Carbonnier:Effectivité et ineffectivité de la regle de droit,Flexible droit.L.G.D.J. 1969,P.91 et s. F.Terre,un bilan de sociologie juridique.J.C.P.1966. 1.2015.

Adde: P.Durrand: La connaissance du Phénomene juridique et les taches de la doctrine moderne du droit privé,D. 1956.chron. p.73.

و وسایل تضمین آن در اهداف دانشمندان جای بسیار مهمی را اشغال می‌کند (۱). تعاون قضائی نه تنها اجازه می‌دهد که بطوریکسان بتوانند از دستگاه قضائی استفاده کنند بلکه معلومات حقوقی خود را نیز افزایش داده و جهل بقانون را که یکی از نشانه های ضعف فرهنگ حقوقی عصرماست، علاج کنند (۲).

این عوامل مختلف به نسبت های متغیری، جوانب علمی مسئله معاضدت قضائی را تغییر می‌دهد که اینک آنرا از لحاظ تطبیقی بررسی می‌کنیم:

ب : حقوق تطبیقی

مسئله معاضدت قضائی بسبب ضروری بودن موضوع خود، تقریباً "در کلیه نظام های حقوقی مورد توجه واقع شده است و اختلاف مقررات آن در کشورهای مختلف ناشی از اختلاف وضع اجتماعی آنهاست و اینک تغییرات مهم معاضدت قضائی را در حقوق برخی از کشورها مورد بحث قرار می‌دهیم:

-
- 1- Legal aid: the emergence of a moderne theme, 24 Stanford law Review, 1972. Carlin. Harward and messinger, Civil justice and the Poor: issues for sociological research, New-York, N.S. Marisk. legal aid and the rule of law: a compalative outli ne of the probilemue in journal of the international commion of jurists, II. 1959-60 P. 95 et s.
 - 2- F. Terre: Le role actuel de la maxime "nul n, est censé ignoreré la loi" Etude de droit contemporain (VII congres intrnatiol de droit compare, Uppsala 1966) p. 91 et s. spec. p. 106 et, s. J. Carbonnier: La part du droit dans anoisie contemporaine. Flexible droit. op. cit. p. 112 et s. spec. p. 116.

۱- بدون تردید می‌توان گفت که امروزه در میان کشورهای جهان، انگلستان دارای کاملترین مقررات و موثرترین تضمینات استفاده مردم از دستگاه قضائی است. معاضدت یا عبارت "روشنتر تعاون قضائی بموجب قانون Legal aid and advise acte در ۱۹۴۹ به مرحله اجرا گذاشته شد و بوسیله قانون Legal aid acts در ۱۹۶۰ تکمیل شده و در استفاده از تعاون قضائی، میزان درآمد متقاضان را با توجه به تقلیل ارزش پول بحساب آمده است (۱). این قانون با توجه به میزان درآمد متقاضیان معافیت مطلق را برای متقاضیان کم درآمد و معافیت نسبی را برای متقاضیان با درآمد متوسط تضمین می‌کند. اشخاصی که درآمد متوسط دارند به نسبت وضع مالی خود در پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله شرکت می‌کنند. علاوه بر آن، قانون استفاده از سرویس مشاوره حقوقی مجانی را با نرخ بسیار کم برای دسته اخیر منظور کرده است که هزینه آنرا صندوق تعاون (Legal aid fund) می‌پردازد. درآمد این صندوق از سه محل تامین می‌شود:

۱- وجوهی که متقاضیان با درآمد متوسط تعاون قضائی می‌پردازند.

۲- خسارات دادرسی که محکوم علیه می‌پردازد.

۳- مساعده صندوق تعاون.

صندوق تعاون قضائی بوسیله انجمن صنفی (Law Society) اداره می‌شود و این انجمن از دوازده کمیسیون ناحیه و یک شبکه کمیسیونهای محلی مرکب از وکلای مدافع (کتبی و شفاهی) و یک نفر نماینده دولت تشکیل می‌شود.

هرکس بخواهد از تعاون قضائی استفاده کند اول باید به کمیسیون محلی صلاحیتدار رجوع نموده و ثابت کند که برای اقامه دعوی، ادله کافی در اختیار دارد و دعوی او با اساس است. اگر درخواست او قبول شود، هزینه دادرسی و حق الوکاله را نمی‌پردازد و پرداخت آنرا صندوق تعاون بعهده می‌گیرد و در صورت محکومیت وجوه پرداختی را از وی مطالبه نمی‌کنند.

این ترتیب بسیار قابل قبول بوده و می‌تواند استفاده مجانی مردم را بطور مساوی از دستگاه قضائی بنحو موثری تامین کند بدون اینکه استقلال وابستگان قضائی را بخطر بیندازد چه آنان کارمند دولت نبوده و در برابر آن تعهدی ندارند و دولت نیز در انجام وظایف آنان نظارت نمی‌کند.

۱- مراجعه شود به قانون 1- Legal aid (general) regulation

که از اول فوریه ۱۹۷۱ تاکنون به مرحله اجرا گذاشته شده است. 1971.

مع الوصف این نهاد به سبب نارسائیهای که در عمل دارد مورد انتقاد قرار گرفته است^(۱) و در باری امر گفته می شود که تعاون قضائی بویژه در دادگاههای حقوقی یک کارائی کافی نداشته و کثرت متقاضیان تعاون قضائی سبب افزایش دعاوی شده است. در این میان دفاتر مشاوره حقوقی نیز بطور بیرویه افزایش یافته و دفاتر دیگری نیز بنام Local legal centres تاسیس گردیده است.

۲- مسئله استفاده موثر از دستگاه قضائی در کشورهای متحده آمریکای شمالی، به چند صورت دیده می شود. مسئله د باری امر چنین مطرح می شود: مطابق قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند بمنظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید آیا کسانی که قادر به پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله نباشند نباید از این حق محروم شوند؟

دیوانعالی فدرال باالفا قانون ایالت کانتیکات^(۲) به سوال مذکور پاسخ مثبت داده است. این قانون قبول درخواست طلاق از دادگاه را موقوف به پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله می کرد^(۳). در نتیجه منجر به ممنوعیت مستمندان از دادخواهی می شد. در تأیید نظر دیوانعالی فدرال، در سال ۱۹۶۴ یک برنامه مهم تعاون قضائی Legal services در اجرای Economie opportunity act به مرحله عمل گذاشته شد که هدف آن مبارزه با فقر بود و در تاریخ ۱۹۶۷ تکمیل گردید تا این تاریخ معاضدت Program قضائی برسد گونه صورت می گرفت، ترتیب Assigned counsel که در کلیه ایالات آمریکا معمول بود و عبارت از تعیین وکیل برای متقاضی بوسیله دادگاه بود که حق الوکاله او را خزانه عمومی می پرداخت^(۴)، ترتیب دفاع از منافع عموم (Public defender)

۱- این انتقادات عموماً از طرف Society of labour lawyers بعمل

آمده است و برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Justice for all, London, 1968. Comp. legal aid and advise report of the law society and Comments of the Lord chancellor, s advisory commettee 1969-70. 20 the report 1971. Abel-Smith and Stevens, in search of jutice, London. 1968p. 262 ets.

Connecticut یکی از ایالات آمریکا واقع "شمال نیویورک که

حاکم نشین آنها هارتفورد است.

3- Boddie.V.Connecticut, 351,u.s. 12.91 sct 780.28.L.E.D. 2.d. 113. 1971.

4- Note the indigent, s right to counsel in civil cases, 76 Yaj law. journal, 1945, 1976.

که در موارد محدودی مورد استفاده بود و عبارت از تعیین یکی از مامورین قضائی، موسسه معاضدت قانونی بود که از حقوق متقاضی در دادگاه دفاع می‌کرد و سرانجام ترتیباً Legal aid Societies که یک موسسه کاملاً "خصوصی بوده و در مراکز بزرگ شهری دایر گردیده و تعداد آنها در ۱۹۶۵ بالغ بر ۲۵۰ موسسه بود که در اقامه دعوی بمتقاضی یاری می‌کرد.

ابتکار بزرگ تعاون قضائی (Legal service program) عبارت از تاسیس دفترخانه رسمی Neighbourhood law firms بود. این دفاتر در محلات فقیرنشین و مناطق روستائی دایر گردیده و تعداد آنها بالغ بر ۸۵۰ دفترخانه می‌شد (۱) و در حدود دو هزار وکیل دعاوی بطور تمام وقت در دفترخانه‌های مزبور، بکار گماشته شده بود. فایده عمده این دفاتر علاوه بر وظیفه اصلی معاضدت و مشاوره، دادن اطلاعات حقوقی لازم بوسایل مختلف سمعی و بصری به ارباب رجوع بود و از سوی دیگر رسالت انجام اصلاحات حقوقی به نفع طبقات محروم جامعه خواه بوسیله تهیه لوایح اصلاحی قانون یا از راه تغییر رویه قضائی با اقام دعوی گروهی، برعهده آنها بود.

Legal services program بخوبی مورد قبول مردم بود اما اکنون برخی انتقادات از آن می‌کنند: اول قضات، وکلای دادگستری (۲) در مجله نون وکلای امریکا می‌نویسند که نهاد مذکور فوق العاده توسعه یافته و از حد یک تعاون قضائی و مشاوره خارج شده و این نیز با آزادی حرفه وکالت مغایرت دارد چه مانع از کسب و کار وکلاست. اما افکار عمومی برعکس، از آن طرفداری کرده و آنرا وسیله پیشرفت اجتماعی دانسته که با مبارزه علیه بیعدالتهای اجتماعی همراه است (۳).

مانع بزرگ این اصلاح اجتماعی، اکنون، هزینه‌های قابل توجه آنست.

۳- در ایتالیا به تصدیق همه حقوقدانان، معاضدت قضائی اثر خود بکلی از دست داده است. این مسئله بارها در جلسات دیوان قانون اساسی (۴) (شورای نگهبان) مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است چه قانون اساسی ۲۷ دسامبر ۱۹۴۷ حق دادخواهی در

1- Note. Neighbourhood law offices: the new wave in legal services for the poor, 80 harvard law review 805, 1967.

2- Stumpt and janawitz judges and the poor: Benich responses to federally financed legal services, 21 Stanford law review, 1968-1969.

3- Hazard: G. Social justice though civil justice, 36 University of Chicago law review 899. 1969.

4- La Cour constitutionnelle.

دادگاههای صالح را حق مسلم هر فردی از افراد ملت دانسته و وسایل انجام آنرا نیز برای آنان تضمین کرده است (۱). اما شورای نگهبان همیشه از اعلام عدم مطابقت مقررات آن با قانون اساسی بعلت عدم کارائی آن، خودداری می‌کند زیرا گرچه مقررات آن بطور ناقصی هم اجرا شود باز هم از نتایج الغای آن بهتر است با اضافه عدم کارائی مقررات معاضدت قضائی بهیچوجه مترادف با عدم مطابقت آن با قانون اساسی نیست.

۴- در آلمان غربی قانون اساسی ۲۳ مه ۱۹۴۹ تساوی مردم در مقابل قانون (بند اول اصل سوم) و دادخواهی در دادگاههای صلاحیتدار را برای هر یک از افراد ملت تضمین می‌کند (اصول ۱۰۱ و ۱۰۳) و بنظر شورای نگهبان (۲) معاضدت قضائی از نتایج حاصله از قانون اساسی می‌باشد (۳).

با وجود این، معاضدت قضائی توسعه نسبتاً " محدودی در این کشور داشته یعنی فقط به نفع مستمندان برقرار گردیده است. باین ترتیب که متقاضیان با اخذ گواهینامه از شهرداری محل دایر با مستحقان خود می‌تواند ارزش ریئس دادگاه درخواست کند که یکی از وکلای مدافع را برای دفاع از حق ایشان معین نماید. اگر نامبرده دعوی را با اساس تشخیص دید و کیلی برای او معین می‌کند. وکیل پس از انجام وظیفه خود مبلغی بعنوان حق الوکاله از صندوق دولت دریافت می‌کند که میزان آن از میزان حق الوکاله قانونی کمتر است. علاوه بر آن، قانون وکلا در شهری دفاتر مشاوره حقوقی مجانی برای مستمندان دایر کرده است. در ضمن ذکر این نکته لازمست که در حال حاضر حمایت از حقوق وکلا و بیمه‌گذار در آلمان بوسیله مورمول بسیار ساده‌ای بعمل می‌آید و آن نیز بیمه‌هزینه دادرسی و حق الوکاله یا بیمه‌حمایت حقوقی است و شرکت بیمه با دریافت مبلغی بعنوان حق بیمه، پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله اجتماعی بیمه‌گذار را بعهده می‌گیرد. بیمه‌گذار وکیل خود را بمیل خود انتخاب می‌کند و حق الوکاله و فرم دادرسی بوسیله شرکت بیمه پرداخت می‌شود (۴)

۱- اصل ۱۵ قانون اساسی میگوید: هرکس رای حفظ حقوق و منافع مشروع خود می‌تواند را دادگاهها اقامه دعوی کند و برای حفظ حقوق مستمندان باید موسسات خاصی حقوق آنانرا تامین کنند.

2- Bundesverfassungsgericht.

3- Beveridge. 22.83.86.

۴- در این باره نگاه کنید به :

J. Mauro. Gaz. Pal, 24. 25. dec. 1971.

باستثنای مواردی که دعوی از روی سوء نیت یا بدون داشتن ادله موثر اقامه شود که هزینه‌های پرداخت نخواهد شد .

۵ - سرانجام این نکته را تصریح می‌کنیم که قرار داد اروپائی حقوق بشر در بند سوم ماده ۶ خود ، حق معاضدت قضائی را فقط در امور کیفری بین‌المللی قبول دارد آنهم در صورتی که وکیل را مستقیماً " دادگاه انتخاب کند . کمیسیون اروپائی حقوق بشر در بسیاری از تصمیمات خود (۱) مقرر داشته است : بغیر از مورد مذکور ، استفاده از معاضدت قضائی بوسیله قرارداد حقی تلقی نشده است تا هر کس بتواند از آن برخوردار شود و امتناع مقامات صلاحیت‌دار از تعیین وکیل نقص مفاد قرارداد محسوب نمی‌شود . با وجود این تقریباً " پس از سال ۱۹۶۶ وقتیکه کمیسیون مذکور بشکایت از امتناع از تعیین وکیل معاضدت در امور حقوقی رسیدگی کرد ، بیشتر اوقات مقررات کلی بند ۱ ماده ۶ را به مرحله اجرا گذاشته است و بررسی می‌کند که آیا امتناع از تعیین وکیل در شرایط خاص دعوائی ، نقص حق دادخواهی محسوب می‌نماید یا نه ؟ (۲)

۲ - تغییر مفهوم معاضدت قضائی در فرانسه

الف : مفهوم تعاون قضائی

تعاون قضائی بموجب قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۲ در فرانسه برقرار شد که به بخشی از سوالات مبهم که در طرف چند سال در امور قضائی مطرح شده بود پاسخ داده است (۳) زیرا معاضدت قضائی مصوب ۲۲ ژانویه ۱۸۵۸ پس از بارها اصلاح ، مورد انتقادهای زیادی

۱ - در میان این تصمیمات ، مثلاً " تصمیمات زیر :

Comm. 2 jan. 1970. req.3925/69.x.c.rep.fed.d,Allemagne.

Rec.n^o32p.56.Comm 16 mars 1970 Req.3944,69.x.c.Rep,fed

d,Allemagne.Recn 33.p.5.

۲ - نگاه کنید به :

Comm.16 juill.1968,Req.2804/66.Strumpt.c.Rep.fed d,

Allemagne.Rec.n.29p.61:comm.22 mai 1969 Req.2857/66.x.e.

Req.fed,d Allemagne, Reen 29p.15.

3- J.M.Theolleyre: Une Justice dans sa notion.le Monde

11-19\Mai 1965; te justice en question(la Nef, n 39

janv-mers 1970)et les articles de M.M.Jean Foyer.

قرار گرفته بود (۱). از اینرو لایحه قانونی تعاون قضائی با بیان نواقص و ایرادات آن، معاضدت را منسوخ کرد. معاضدت قضائی سابق چهار ایراد اساسی داشت:

— فقدان قواعد صریح که میزان درآمد متقاضی و وضع خانوادگی او را معین نماید. بدین لحاظ در قبول یا رد درخواست معاضدت غالباً "اجحاف می‌شد و در نواحی مختلف کشور نیز بطور یکسان اجرا نمی‌گردید.

— گرچه استفاده از معاضدت قضائی مخصوص مستمندان بود ولی برای معافیت از پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله یک یا چند مرحله (مرحله نخستین پژوهشی و فرجامی) معافیت نسبی وجود نداشت بلکه معافیت از پرداخت هزینه دادرسی کلیه مراحل (معافیت مطلق) در یکجا درخواست می‌شد که پس از رسیدگی برای تمام مراحل قبول یا بدون هیچ قیود و شرطی برای تمام مراحل رد می‌شد.

— هزینه معاضدت منحصرأ به وابستگان دادگستری تحمیل می‌شد و دولت محکوم شرکتی از پرداخت آن نداشت.

— دفاتر معاضدت، اغلب اوقات بجای توجه بوضع مالی متقاضی، عملاً "به بررسی دلایل او و با اساس بودن دعوی می‌پرداختند.

مجموع این عوامل نامتناسب مانع از استفاده موثر بسیاری از متقاضیان کم درآمد از دستگاه قضائی می‌شد و این نیز کاملاً "برخلاف اهداف معاضدت قضائی بود. پس از سال ۱۹۳۶ تعداد خواستهای معاضدت قضائی در طرف یکسال به نصف کاهش یافته بود و تقریباً "۹ درصد از مراجعین دادگستری از آن بهرمنند، می‌شدند (۲).

هدف قانون جدید از بین بردن این مشکلات بوده و بهترست ابتکارهای اساسی کرد: این قانون می‌خواهد بدو "شرایط استفاده از تعاون قضائی را کاملاً "معین کند و علاوه بر معافیت مطلق (۳) یک معافیت نسبی (۴) نیز پیش بینی کرده است. کسانی می‌تواند از

1- Ph. Boucher, Vers la reforme de l'assistance judiciaire
le Mond 27-29 mars 1971.

۲- آمار بوسیله آقای گیریلی مخبر کمیسیون مجلس داده شده است:
J.O. debats Ass.nat. Sessnce du 70 et 1971 p. 4384.

3- Aide judiciaire totale

4- Aide Judieaire partielle.

معافیت مطلق بهره‌مند شوند که میزان درآمد ماهیانه آنها کمتر از ۹۵۵ فرانک^(۱) نباشد. در صورتی که معافیت نسبی برای کسانی است که حداکثر درآمد ماهیانه آنها بالغ بر ۱۵۰۰ فرانک باشد (مواد ۱ و ۲). البته در احتساب آن تعداد افراد خانواده را نیز در نظر می‌گیرند. دفتر معاضدت قضائی در احتساب درآمد، کلیه درآمدهای متقاضی حتی درآمد اموالی که متقاضی از آن استفاده نکرده است را نیز بحساب می‌آورد. اجاره‌بها (کرایه) محل سکونت عادی متقاضی از این جهت به حساب نمی‌آورند و همچنین درآمد اموالی که فروش آن، سبب ورود جبران ناپذیر به متقاضی می‌گردد (م ۱۵). این استثنا به این منظور است که قانونگذار می‌خواهد درخواست معاضدت کسانی که مالک خانه مسکونی خود هستند همچنین درخواست متقاضیانی که موضوع دعوی آنان مطالبه اجاره بها بوده و این اجاره بها نیز یگانه مبلغ درآمد آنان باشد، برخلاف گذشته رد نشود.

سرانجام برخی اشخاص گرچه واجد شرایط مذکور در پیش نباشند ولی در اقامه دعوی خود محق بنظر بیایند یا دعوی آنان هزینه سنگینی داشته باشد، استثناء " می‌توانند از تعاون قضائی بهره‌مند شوند.

تعاون قضائی در امور حسبی نیز مانند امور ترافعی جایز است و در همه دادگاهها، خواه دادگاههای دادگستری (بجز دادگاههای کیفری) یا دیوان عدالت اداری و دادگاههای اداری یا دادگاه حل اختلاف و همچنین در دعاوی خصوصی که در ضمن دعوی کیفری اقامه می‌شود و اجرای احکام، امکان دارد و شامل کلیه هزینه‌های دادرسی می‌شود اعم از هزینه برگهایی که به دادگاه تقدیم می‌شود یا هزینه احکام و قرارها.

متقاضی نه تنها از وکیل مجانی که بوسیله کانون وکلای معین می‌شود استفاده می‌کند بلکه از همکاری کلیه وابستگان دادگاهها (مانند مامورین ابلاغ، کارشناسان وغیره) که دادرسی یا اجرای احکام نیاز به یاری آنها دارد، مجانی " بهره‌مند می‌شود، او از دادن تامین معاف است. در معافیت مطلق پرداخت کلیه هزینه‌ها بعهده دولت است اما " تعاون نسبی، قسمتی از آنرا متقاضی می‌پردازد.

وکیل پس از انتخاب، مبلغی بابت کارانه دریافت می‌کند در صورتی که بیش از تصویب قانون جدید، هیچگونه وجهی دریافت نمی‌کرد مگر در مواردی که اداره اجرا می‌توانست هزینه دادرسی و حق الوکاله را بابت خسارت از محکوم علیه وصول نماید. پرداخت کارانه مذکور به عنوان حق الوکاله ندارد بلکه بصورت هزینه حاصله از شرکت وکیل در تعاون قضائی است.

۱ - ارقام با توجه به سطح درآمد سال ۱۹۷۲ احتساب شده است.

در معافیت مطلق وکیل مبلغی از دولت دریافت می‌کند که میزان آن بوسیله دفتر تعاون قضائی از روی اهمیت کار حداکثر تا ۶۰۰ فرانک معین می‌شود. در معافیت نسبی، قسمتی از آنرا دولت و قسمتی را نیز متقاضی به وکیل می‌پردازد که میزان آن بوسیله دفتر تعاون قضائی با توجه به درآمد حاصله از اقامه دعوی، معین می‌شود. قبول درخواست تعاون قضائی بوسیله دفتر تعاون بعمل می‌آید که در مقرر هر دادگاه حقوقی یک، دادگاههای اداری، دادگاههای استان، دیوان کشور، دیوان عدالت اداری و دادگاه حل اختلاف وجود دارد. به اضافه یک دفتر عالی تعاون قضائی نیز در مقر وزارت دادگستری تاسیس شده است. در صورت رد تقاضا از تصمیمات دفاتر تعاون قضائی به دفتر تعاون قضائی دادگاه عالی بنحسب سلسله مراتب می‌توان شکایت کرد یعنی از تصمیم دفاتر تعاون قضائی دادگاه حقوقی یک به دفتر تعاون قضائی دادگاه استان و از تصمیم دفاتر تعاون قضائی دادگاههای استان، دادگاههای اداری، دیوان عدالت اداری و دادگاههای حل اختلاف و دیوان کشور به دفتر تعاون قضائی وزارت دادگستری شکایت می‌کنند.

شرکت دولت در پرداخت هزینه تعاون موجب تغییر وضع دفاتر تعاون قضائی شده است چه قبلاً " اکثر اعضای آن از کارمندان قضائی بودند اما اکنون می‌خواهند تعداد کارمندان قضائی با کارمندان اداری در این دفتر برابر باشند و ریاست آن بعهده یکی از قضات نشسته دادگاهی است که دفتر معاون در مقر آن قرار داشته یا بعهده یکی از وکلای مدافع حوزه آن خواهد بود وصول آن افتخاری است.

ب - ارزیابی تعاون قضائی

با وجود اینکه از تعاون قضائی انتقادهایی شده که گاهی اغراق آمیز هم می‌باشد ولی باز هم یکی از اصلاحات بزرگ اجتماعی است (۱). در این باره ذکر مطالبی لازم است:

۱ - موارد تعاون قضائی بنحو قابل توجهی رو به افزایش گذاشته است اما این موارد با توجه به تعداد و وضعیت متقاضیان کافی نیست.

علاوه بر افزایش تعداد متقاضیان، عنوان تعاون قضائی نیز تغییر یافته است به این معنی که تعاون قضائی برای متقاضیان حقی تلقی شده است و نه حمایت و با توجه به حداکثر مذکور در قانون (ماده ۲) می‌تواند شامل شمار بسیار بزرگی از متقاضیان شود زیرا مطابق رقمی که آقای ^(۲) نریلی ^(۲) مخبر کمیسیون قوانین مجلس فرانسه، ارائه داد، ۴۸ درصد

1- Ph. Bertin, Gaz. Pal. 26-28 Sept. 1971, Terre, Le Figaro, 17 nov. 1971, Jean Foyer, Peclaration a l'Agence legislative. Gaz. Pal. 5.7 dec 1971.

2- J.O. debat An. seance du 7 ect. 1971 p. 4361.

متقاضیان درآمد کمتر از ۸۵۵ فرانک و ۲۸ درصد درآمد میان ۸۵۵ الی ۱۵۰۰ فرانک در ماه دارند. از اینرو ۷۵ درصد آنان می‌توانند از تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی و حق الوکاله معاف شوند.

میزان حداکثر مذکور در طرح اولیه قانون (ماده ۲) معین نشده بود و تعیین آنرا به تصویب نامه وزارتی واگذار کرده بودند و همچنین پیش‌بینی کرده بودند که در مبلغ آن با افزایش هزینه زندگی تجدید نظر کنند. از سوی دیگر متاسفانه قانون تعاون قضائی را شامل حال متهمین دادگاههای کیفری نکرده است و در دادگاههای مذکور، انتخاب وکیل مستقیماً " بوسیله دادگاه بعمل می‌آید که وکیل باید مانند گذشته مجانی " مبادرت به وکالت نماید و این امر خسارتی متوجه وکلا و بویژه کارآموزان وکالت می‌کند و بهترست تعاون قضائی را شامل کلیه دادگاهها اعم از حقوقی و جزائی کرد.

۲ - مسئله هزینه تعاون قضائی اهمیت ویژه‌ای دارد و مشکلات اجرایی آن معایب کار را نشان می‌دهد.

در واقع اگر تامين استفاده مؤثر از دادگاهها و ساير مراجع قضائی بر اصل تساوی در مقابل قانون و خدمات عمومی استوار باشد، تعاون قضائی شامل گروه معینی از متقاضیان نمی‌شود چه در تعاون نسبی نیز تعهد دولت به پرداخت قسمتی از هزینه دادرسی و حق الوکاله به ابعاد جدید آن پاسخ خواهد داد.

در حقیقت با پرداخت مستقیم حق الوکاله بوسیله دولت خواسته‌اند جنبه آزاد و مستقل حرفه وکالت، لزوم تامين اجرت عادلانه برای وکلا، عدم تحمیل هزینه سنگین به دولت و امکان انتخاب وکیل بوسیله متقاضی را با هم جمع کنند و برای پرداخت آن نیز صندوقی تاسیس گردیده است که درآمد آن از منابع مختلف من جمله هزینه دادرسی شفاهی که فعلاً " دوبرابر شده تامين می‌شود. بر اثر آن تعاون قضائی فعلی بدون تردید نقطه تحول عمیقی را در دادرسی منعقد کرده است که در وضع قضات و دادستان در دادگستری اثر گذاشته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز باین تحول بی‌توجه نمانده و در اصل سی و پنجم مقرر می‌دارد:

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. باین ترتیب قانون اساسی زمینه را برای توجه به حال متقاضیان دادگستری و تنظیم مقررات لازم آماده کرده است و امید است در آینده اولیای امور در این راه قدم برتری بردارند و با اصلاح مقررات معاضدت قضائی، حسن اجرای عدالت را برای همه افراد ملت تامين نمایند زیرا توجه به حال مستمندان در دین مبین اسلام از اهم مسائل است.